



(۷)

پیشرفت اسلام در کنگو

بدون شك اسلام قرن‌ها پیش از آنکه «غرب» کنگو را بشناسد ، در آن سرزمین راه یافته بود و مسلمانان عرب در این کشور رفت و آمد داشتند و آنجا را «منطقه استوائی آفریقای وسطی» می‌نامیدند ، و حتی گفته شده که لفظ «کنگو» از کلمه «کازنگو» مرکز مهم بازرگانی و تبلیغی اعراب نخستین در آن سرزمین ، اقتباس شده تا آنکه اروپائیان توسط «هانری استانی» با کنگو آشنا شدند و با اعزام گروه پدران روحانی ! ، جاده را برای استعمار این سرزمین حاصلخیز صاف نمودند و پس از اشغال کامل آنجا ، اسامی شهرها و مراکز مهم را هم تغییر داده ، نام پادشاهان و سرداران غریبی را بر روی آنها گذاشتند . بلژیکیها با کمال وقاحت کوشیدند تا هر گونه آثار تاریخی اسلامی را در آن سرزمین از بین ببرند و به بهانه بارزه با برده-فروشی ، مسلمانان را قتل عام کردند .

حهانگرد بلژیکی «فرتیروان درلیندن» در ص ۲۶۱ خاطرات خود درباره مسکوکات و پول رایج در کنگو بحث کرده و می‌نویسد : «اکثریت مردم عرب زبان ، نفود و مسکوکات را بخوبی می‌شناسند و بازرگانان عرب ، بعلت مبادلات بازرگانی با مردم مسلمان **زنگبار** و اعراب **اوگندا** ، طلا و لیره استرلینگ را بر نفود دیگر ترجیح میدهند» او سپس می‌نویسد : نژاد عرب در قسمت قدیمی کازنگو سکونت دارند و شهر نیانگوا Niangwa در سال ۱۸۸۶ میلادی ، محل اصلی سکونت اعراب بود که رودخانه بزرگی این شهر را بدو قسمت جداگانه در آورده بود ، ولی ساکنان آن شهر که بالغ بر ده هزار نفر بودند فعالیت کشاورزی وسیعی را آغاز نموده و مزارع برنج در آنجا بوجود آورده و سپس درختهای میوه از آفریقای شرقی با آنجا حمل کرده و در آنجا غرس نمودند و برای دام داری نیز اهمیت بسیاری قائل بودند . فرماندار این شهر یک نفر عرب بود که در قصر **بروکسل** ، با پادشاه بلژیک ملاقات نمود ! . این نویسنده بلژیکی در صفحه ۲۹۰ از کتاب خود ، از دهکده دیگری نام می‌برد که اعراب مسلمان آنجا را بخوبی آباد کرده و بازاری درست کرده و کالاهای مختلفی را برای فروش در آنجا آماده ساخته بودند ، در این دهکده مردم با خوشروئی از او پذیرائی کرده و او را نزد مردای برده اند که به کودکان کنگوئی قرآن یاد میداده است .

نویسنده بلژیکی آنگاه با توجه به نفوذ اعراب مسلمان در آن محیط، از **دومولستر**، نماینده بلژیک در کنگو درباره تعداد اعراب مسلمان در شرق کنگو سؤال میکند، و او در پاسخ میگوید: «بطور قطع نمیدانم، ولی بنظر من در حدود **دویست هزار نفر** باشند و البته اگر در فکر مبارزه با تسلط بلژیک بر کنگو باشند، با تمام قوا سر کوب میشوند!.»

* * *

بدین ترتیب تاریخ نشان میدهد که اسلام و مسلمانان در مناطق استوایی آفریقا از قرنهای پیش وارد شده و در هر شهر و دهکده ای به تدریس علوم و تعلیم قرآن و بازرگانی پرداخته و پایه های تمدن را پی ریزی نموده اند. نفوذ و انتشار اسلام در مناطق استوایی قاره سیاه از چند راه آغاز شد:

۱- از راه نشر اندیشه و طرز تفکر مردم مسلمان عرب که به آفریقای شرقی مهاجرت نمودند و حتی قبل از تشکیل دولت عربی در زنگبار و دارالسلام، این مهاجرت بوقوع پیوسته بود.

۲- از راه دریای هند که مورد استفاده بازرگانان عرب و شیراز بود، زنگبار و دارالسلام در این مرحله مرکز مبلغین اسلامی و محل تأسیس مراکز تجاری بود، بویژه پس از آنکه حکومت اسلامی در این دوسرزمین تحکیم یافت.

۳- از راه کرانه ها و سواحل غربی دریای اتلانتیک، که گروه های مجاهدین و بازرگانان، اسلام را در میانه های آفریقا بسط دادند.

۴- از طریق «چاد»، در آن هنگام که تمدن درخشان اسلامی در آنجا توسعه و بسط یافته بود. و سپس مردم مسلمان **سودان** تأثیر زیادی در همه شئون زندگی مردم این قسمت از قاره سیاه از خود بیادگار گذاشتند.

* * *

شاید قوی ترین تأثیرات مردم مسلمان و عرب، در کنگو در مورد زبان باشد، و همین امر، مقدار تأثیر فکری و تمدن اسلامی در آن سامان را بخوبی نشان میدهد. ما اگر بدانیم که هم اکنون مردم کنگو با بیشتر از چهل لهجه صحبت می کنند، و توجه کنیم که لغات لهجه های مهم، مخلوطی از لغات عربی است، مقدار این تأثیر را خواهیم فهمید.

۱- زبان سواحلی: این زبان در شرق آفریقا و مالایو و قسمت اعظم شرق کنگو از جمله «کاتانگا» و «کیفو» رواج فراوانی دارد و البته همه میدانند که زبان سواحلی شدیداً تحت تأثیر زبان عربی است و لغات آن، با کمی تغییرات، بکار برده میشود. پیش از استقلال کنگو، مبارزه شدیدی برای رسمی شدن زبان سواحلی در کنگو در گرفت ولی سرانجام، در سایه فشار بلژیکی ها و مبشرین مسیحی، زبان فرانسه، زبان رسمی اعلام شد، مخالفین زبان سواحلی مدعی بودند که این زبان، باقیمانده دوران تسلط اعراب برده فروش!

است . استعمار بد بنویسه توانست مردم مسلمان کنگو را ، هر چه بیشتر از برادران همجوار خود دور سازد .

۲- لهجه لینگالا : این لهجه نیز مفردات عربی زیادی دارد ، منابع «تاریخ زبانهای آفریقای وسطی» نشان میدهند که لینگالا ، به يك اصل سامی ناشی از بلاد عربی ، مربوط بوده و خود لینگالا نیز از کلمه «لغت» اخذ شده است ، و باین لهجه ، لیسالا (بمعنی ساده) نیز گفته می شود ، قبایل زیادی در منطقه شرق کنگو و در غرب «لئوپولدویل» با این لهجه صحبت میکنند .

۳- لهجه گیلوبا ، این لهجه نیز مملو از مفردات عربی است و قبایل «بالوبا» و منطقه «کازنگو» نیز بآن لهجه صحبت میکنند .

اگر مفردات عربی موجود در لهجه های مورد تلفظ مردم کنگو را گردآوری کنیم در واقع خواهیم دید که يك لهجه خاص زبان عربی با مختصری تغییر در تلفظ ، در کنگو بکار میرود .

مبارزه بر ضد استعمار

پیکارهای خونینی از طرف مسلمانان در طول و عرض مناطق استوایی و غربی ، در قرن نوزدهم ، بر ضد استعمارگران خارجی بوقوع پیوست در این نبردهای آزادببخش گروه های مسلمان نقش اساسی را بعهده داشتند .

مسلمانان تحت سرپرستی رهبران بزرگ خود ، با قیام مسلحانه علیه استعمار غربی ، روح جهاد اسلامی را در میان ملل آفریقائی زنده ساختند .

نخست «زبیر پاشا» در قسمت «نیل علیا» از سال ۱۸۵۶ م - تا ۱۸۷۵ م و سپس «رابح بن فضل» در «چاد» از سال ۱۸۷۷ م تا ۱۹۰۰ م و «حاج عمر تال» اردوی همی از مسلمانان «تآبون» و دیگر قسمت های کنگو را گردآوری کرد و بجنگ بر ضد بت پرستها و خارجیان برخاست تا آنکه در سال ۱۸۶۵ م در گذشت ، البته مقدمه همه این نهضتها را مجاهد بزرگ «حامد محمود زنگباری» که مراکز اسلامی متعددی در کنگو تاسیس کرد ، آماده ساخته بود او در واقع نخستین دولت اسلامی را در آن سامان بوجود آورد و در طول ۲۵ سال حکومت خود در آن منطقه ، اصلاحات عمیقی ، بالخصوص در قسمت های کشاورزی بعمل آورد .

بیداری و اقدامات مثبت مسلمانان در این منطقه موجب گردید که امپریالیسم غربی و پدران روحانی مسیحی برای جلوگیری از پیشرفت بیشتر اسلام ، با تمام قوا از آن جلوگیری بعمل آورند ، و روی همین اصل ، مراکز بسیاری در سراسر کنگو برای تبشیر مسیحیت تاسیس کردند و در کنار هر دهکده ای ، در مانگاه و پناهگاههایی برای سیاهان محروم بوجود

آوردن و بموازات درمان و پرستاری از سیاهان مریض و بی‌پناه، بر ضد اسلام و به نفع مسیحیت تبلیغ نمودند.

از طرف دیگر تبلیغ رسمی اسلام ممنوع گردید گروهی از مسلمانان کشته شدند و از ورود مبلغین اسلامی از خارج بشدت جلوگیری بعمل آمد و پدران روحانی مسیحی در پناه سر نیزه استعمار، به تبشیر مسیحیت پرداختند.

در کنگوی برازاویل (کنگوی فرانسه) نیز وضع بهمین منوال بوده، گروههای تبشیری از طرف دولت فرانسه، سرانبر این قسمت از قاره سیاه شدند تا پیشرفت اسلام و نهضت مسلمانان را، با استفاده از هر وسیله‌ای سرکوب سازند.

ولی علیرغم همه فشارها و تضییقات ضد انسانی، علیه مسلمانان کنگوی لئوپلدویل و کنگوی برازاویل، در آخرین آمار که در سال ۱۹۶۵ منتشر گردید، تعداد مسلمانان کنگو بالغ بر پنج میلیون نفر اعلام گردید (۱)

مسلمانان کنگو، در نهضت لومومبا بر ضد استعمار، نقش مؤثری به عهده داشتند و قسمت استانی ویل که مرکز هواداران لومومبا بود، در واقع قسمت مسلمان نشین کنگو است. استعمار بموازات سرکوبی نهضت رهایی بخش ملی خلق کنگو، توسط مزدوران سفید پوست، برای چندمین بار، مسلمانان را در آنجا قتل عام کرد. استعمار هم اکنون نیز توسط ایادی خود، اجازه نداده است که افراد لایق و سرشناس مسلمان در کنگو، امور حساس دولتی، رابدست بیاورند و مانند دیگر سرزمینهای قاره سیاه از قبیل: زنگبار، ارتیره، حبشه، ساحل عاج، جمهوری آفریقای وسطی، توگو، چاد، کامرون، سنگال، سیرالئون و غیره، حکومت و مراکز مهم دولتی رابدست افراد مسیحی سپرده است. (۲)

این وظیفه مسلمانان جهان است که اعتراض همه جانبه خود را بر ضد تبعیضات گوناگون ضد بشری علیه مسلمانان در قاره سیاه، با صدای بلند اعلام کنند و تکلیف خود را درقبال نجات و آزادی و استقلال کامل ملل استعمارزده و استعمارزده آفریقا، انجام دهند.

باید جنایات و فجایع استعمارگران را بر ضد مسلمانان بی‌پناه آفریقا، افشاساخت و با استفاده از هر وسیله‌ای، به برادران هم عقیده خود، و افراد آفریقائی بی‌پناه دیگر؛ کمک نمود.

شناخت کامل مشکلات و وضع ملل مسلمان آفریقا، نخستین مرحله از مراحل همکاری و همفکری ملل مسلمان جهان، با برادران ستم‌دیده و استعمارزده در قاره سیاه است.

پایان

(۱): به شماره ۸ سال هشتم مجله مکتب اسلام رجوع شود.

(۲): با استفاده از مجله «رابطة العالم الاسلامی» شماره ۱۰ سال ۵.